



Yale University Library Digital Collections

| | |
|---------------------|--|
| Title | Divan, [17--] |
| Creator | Shawkat, Muhammad Ishaq, d. 1595, creator |
| Date | [17--?] |
| Rights | The use of this image may be subject to the copyright law of the United States (Title 17, United States Code) or to site license or other rights management terms and conditions. The person using the image is liable for any infringement. |
| Generated | 2021-02-21 12:30:12 UTC |
| Terms of Use | https://guides.library.yale.edu/about/policies/access |
| View in DL | https://collections.library.yale.edu/catalog/2042047 |



از بس که بخت و نیک جنون بر سرم هوا
 از ضعف باز منت پوشش نمی کشم
 ظاهر شدن میا از خلقم بر هر کیست
 بیرون نمی رود زنده در پیشهای غم
 از رخ و تاب صاف دل را که بر نیست
 معنی مرا بگونه دل جای داده است
 ایینه در این بوی و بطحا می شود
 بکار کرده است مرا از بار خوبین
 داغ مرا سواد وطن مشک سوده است
 رویم بسوی غربت و در جانب وطن
 خالی فدا ده اند بطعم که از وطن
 غافل از اینکه جلد به عنایم چون شود
 دولت خدا نکوه که بر کرد از کسی

سود ای پایی است مغز سرم حنا
 پیراهم حریر حجاب است چون هوا
 پنهانم ز دیده مردم بود قبا
 جوهر پتغ از اجینه کی میشود جلا
 جوهر بود کبابه ایینه خانها
 شوم کجا و دیده کجا و حرم کجا
 از دیده و دست مرا مرده و صفا
 تا کشنده ام بمعنی بیکانه است
 بارب کسی مباد با بن داغ مستلا
 افتاد گاه من بعبان دور کبریا
 بیرون چه آمدی و مسافرتی چرا
 کورد سبیل خود بره سعه ره رهما
 کوراب فتنه میشود اغوش ناخدا

زینهار عیب صاف
 کرد سگسته صاف
 از عشق زین سگسته
 انجام از عشق زانجا
 تا نم بود بدان ضعیف
 از بخت پیراه صاف
 زینون دکان نقره بار
 امید از حرم جان چون
 از من بود کجی فداست
 در کین نرم دیده بود ارکا
 و با عیوب کرسنه چینی
 از من بود در من از بهر
 موج هوا جوهره زین کبریا
 نامهربان مرغوی بر
 حیرت ز بسکه سر برده خطا
 نزل بر پیر خلیه شکوه
 خواهم نقش بر سینه
 معراج صاف و بار بار
 صد شایسته ایست

زینهار

۱۰۰



| | |
|--|---|
| <p>المهرى رنگ تاثير كرامت كن فغانم را نم را بسكه ضعف نيره بخي ناناوان دارد اميد كه همت رجمي زيب پروا كلي دارم زرشك من رنگ كل موى اشند بديرا مانند</p> | <p>بموج اشك بلبيل اب ده شمع زيانم را كند چشم هم از چكان بصورت استخرايم را كه اول ز شكست رنگ بنديا در فغانم را خس و خارا است از مرگان بلبيل اشيايم را</p> |
|--|---|

نهالم خورده اب از جوى طبع خويشتن شكوت
بهرارى ميگردد كرامت فشري بر ك خزانم را

| | |
|--|--|
| <p>المهرى كود باد شعله كودان بچو مارا بناي دريما از اب و خاك حصصى باشند ز نا نبرغم اوس سبز كود درخمن اشش كند جوش هنر محروم مارا از خريدلان چه كازر كه همچون غنچه كل باد و خسارت ز بس از راه سرد ما زمين و آسمان بر شد بصهباي جنون كيفيت ديگر و بساقي</p> | <p>غبار اسبابي باد كن خاكستر مارا بود طول امل زنا ز نفس كافر مارا بدون خشتك نتوان كود و امان ز مارا بود كود اب از غلظاتي خور كودر مارا درون بيضا رنگين ميگردد مشت بر مارا جراغ از حقه كا فورا باشد اختر مارا بيا از كوچه زنجير خاك ساغر مارا</p> |
|--|--|

درين رخ شاد مهرى
 چراغ طالع مارا
 بجا خود نشاند
 زمين را آسماني كود
 وجود ما كمال از بقا
 ز كدم باي طبع ما
 مرغ اعجاز نظر از بار
 بيايان رنگ استغناء
 ز جاحيد رنگ ما
 بزرگ بزرگي خويش
 هارا كود بديرا كود
 بس
 بنوع روزگار
 شاهانه اشك
 از جويي صحت
 كود كمال عشاق
 انساني در وجود

| | |
|--------------------------------|------------------------------|
| کلهاد اوند از چمن روی براه | ساکن بی تو از شعور کوناه |
| استاده نماید بعین رفتن | |
| این رخ قیابان بمجاازن نگاه | |
| یک قطره است دل کل امید بینهار | ننوان بشد عرصه علم بر فراشتن |
| از عاقولون بصفی دل نقش از روست | بر لوح قطره صورت دریا نکاشتن |
| ننوان بپشت کوی دنیا زهاد دل | ننوان سپند در چمن شعله کاشتن |
| فاکه درین ساری سنجی بر غم غم | |
| باید بطاق سبزه کلفت گذاشتن | |
| عصمت کبری گنت و حیاشد مغری | اورد ازو نتیجه بیرون دولت |
| بی نقصان شد جوافت از بی نقصان | |
| تا ریخ نتیجه حیا و عصمت | |
| ۱۰۹۳ | |

۲۶۸
۰۰۵
۶۰۰

۱۰۹۳